

سوریه خواهان برقرای صلح در خاورمیانه است

مواضع پایدار دمشق

سوریه امیدهای زیادی به عملکرد دولت باراک اوباما، رئیس جمهور منتخب ایالات متحده در حوزه خاورمیانه و نقش مثبت او در پیشبرد گفتگوهای صلح این منطقه بسته است.

ولید المعلم، وزیر امور خارجه سوریه در مصاحبه اخیر خود با هفته نامه آلمانی اشپیکل تاکید کرد زمان دستیابی به توافقنامه صلح جامعی در منطقه فرا رسیده است. او همچنین ابراز امیدواری کرد آمریکا با فاصله گرفتن از سیاست های گذشته خود به مذاکره با ایران روی آورد.

آقای وزیر نظر شما در مورد آراییی که آمریکایی ها در انتخابات ریاست جمهوری به صندوق انداختند، چیست؟

من از نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا خشنود هستم و از این فرصت برای تبریک گفتن به باراک اوباما، رئیس جمهور منتخب ایالات متحده استفاده می کنم. امیدوارم او به تحقق یک رویا یعنی صلح، ثبات و آرامش در خاورمیانه کمک کند. این واقعیتی غیر قابل انکار است که ایالات متحده در تحقق این هدف نقشی محوری ایفا می کند.

سوریه همسایه عراق، اسرائیل و سرزمین های خودگردان فلسطینی است و دمشق نزدیک ترین دوست و متحد ایران در سطح منطقه تلقی می شود. ترجیح می دهید دولت اوباما در ابتدا به حل و فصل کدام منازعه منطقه ای بپردازد؟ منازعه اعراب و اسرائیل، چرا که این منازعه بر سایر بحران های منطقه ای تاثیر گذاشته و آنها را تشدید می کند.

اوباما در شرایطی نیست که به تنهایی از پس حل این مشکلات برآید. سوریه چه کمکی می تواند به او بکند؟

ما آماده مذاکره هستیم.

رئیس جمهور جدید آمریکا احتمالا خوشحال تر می شد اگر شما عنوان می کردید مخالف ایران هسته ای هستید...

ما خواستار خاورمیانه ای عاری از تسلیحات هسته ای و سلاح های کشتار جمعی هستیم. اسرائیل سلاح های هسته ای در اختیار دارد...

اما شما روابط نزدیکی با ایران دارید. موضع شما در قبال

نگرانی های غرب و دولت آئی ایالات متحده در مورد برنامه هسته ای ایران چیست؟
ایرانی ها به ما اطمینان داده اند که فعالیت های هسته ای آنان صلح آمیز بوده و این که آنها نیازمند برقی هسته ای هستند. ما به آنها اطمینان داریم.

آیا شما هیچ اطلاعی از احساس مقامات ارشد ایران در مورد پیروزی اوباما دارید؟

ما به طور مستقیم در مورد این مساله با دوستان مان صحبت نکرده ایم، اما به گمان من آنها بخوبی می دانند این تغییر در آمریکا چه معنایی دارد و چگونه باید با

آن برخورد کرد. من اطمینان دارم نتیجه این انتخابات سطح گفتگوهایمان دو کشور را ارتقا خواهد بخشید.

ایالات متحده تنها کشوری نیست که بزودی شاهد تغییر در کادر رهبری خود خواهد بود. برای شما مقدور هست در صورت به نخست وزیری رسیدن بنیامین نتانياهو برای یک دوره دیگر بتوانید پا او به توافقنامه صلح دست پیدا کنید؟

اگر این توافقنامه بر قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد و اصل زمین برابر صلح استوار باشد با هر کسی که در اسرائیل به قدرت برسد قرارداد امضا می کنیم.

سوریه در حال حاضر مذاکرات غیرمستقیم صلح با اسرائیل را با میانجی گری ترکیه دنبال می کند. آیا این مذاکرات طی دوره ۱۰ هفته ای انتقال قدرت در ایالات متحده ادامه خواهد یافت؟

هدایت مسیر مذاکرات هم اکنون در دست ترک هاست ما امیدواریم آنها بتوانند مذاکرات را همان طور که وعده داده اند به مسیر درستی هدایت کنند. مقامات اسرائیل از ترکیه درخواست کرده اند به دلیل شرایط سیاسی در تل آویو روند مذاکرات متوقف شود.

به نظر شما مهم ترین شاخص های این مذاکرات

چیست و در آن جایی برای مانور می بینید؟

هیچ جایی برای مانور وجود ندارد. بلندی های جولان و سرزمین های اشغال شده توسط اسرائیل متعلق به سوریه هستند و این حق ماست که خواستار بازگشت خطوط مرزی به جایی باشیم که قبل از ۴ ژوئن ۱۹۶۷ میلادی بود.

تکلیف پناهندگان چه می شود؟
حق بازگشت مطابق با قطعنامه ۱۹۴ شورای امنیت سازمان ملل به معنای بازگشت فوری ۴ میلیون پناهنجوی فلسطینی نیست. حقوق آنها کاملا مشخص است اما آنها در عین حال حق تصمیم گیری دارند.

آیا اکنون زمان مناسبی برای قطع روابط سوریه با آن دسته از رهبران حماس که ساکن دمشق هستند، نیست؟

رهبران حماس که در سوریه هستند پناهنجو تلقی می شوند. ما میزبان آنها هستیم به همان سبب که میزبانی نیم میلیون پناهنجوی فلسطینی دیگر را

عهده دار شده ایم. شکی وجود ندارد که همه آنان خواستار بازگشت به سرزمین خود هستند اما برای تحقق این هدف باید کشوری برای خود داشته باشند که بتوانند به آنجا باز گردند.

دولت جدید آمریکا احتمالا از هر حرکت سوریه برای قطع حمایت هایش از حزب الله لبنان استقبال خواهد کرد...

ما در حاضر به دنبال برقراری روابط نزدیکی با لبنان به عنوان یک کشور هستیم. این مساله در تناقض با روابط خوب مان با حزب الله نیست. مادامی که بخش هایی از قلمرو لبنان در اشغال اسرائیل است حزب الله جنبش مقاومت مشروع و قانونمندی باقی خواهد ماند.

آنچه هفته پیش در ایالات متحده به وقوع پیوست و احتمالا به زودی در اسرائیل حادث می شود تصمیم هایی مهمی بودند. سوریه چه زمانی شاهد تغییرات دوره ای دولت خواهد بود؟

سوریه در مرکز سه بحران عمده قرار دارد: عراق به واسطه حضور آمریکایی ها، منازعه فلسطینی ها و اسرائیل و در نهایت لبنان. این بحران ها به ما ضرورت

اصلاحات گام به گام، مرحله ای و مطابق با چالش های موجود در همسایگی مان را تحمیل می کند.

آیا دمشق همچنان مصمم به اجرای طرح هایش برای گشایش سفارتخانه در بغداد و بیروت است؟

بله.

حتی با جود آن که کماندوهای آمریکایی دو هفته قبل از طریق قلمرو عراق به اهدافی در خاک سوریه حمله کردند؟

ما درک می کنیم که عراق در اشغال است. این نیروهای آمریکایی بودند که قلمرو ما را نقض کردند. ما امیدواریم روابط خوب و مبتنی بر اصل همجواری مان با عراقی ها نقض نشود.

آمریکایی های گویند سوریه از قبل از این حمله مطلع بود. آیا این مساله صحت دارد؟

این داستانی ساختگی است و هیچ رگه ای از واقعیت در آن وجود ندارد. آنها با این حمله دچار سردرگمی شدند و حتی بیابانه شان را با تاخیر صادر کردند. برای توجیه شرایط این داستان را سر هم کرده و در اختیار رسانه ها قرار دادند که کاملا غیر واقعی است.

اگر این ماجرا صحت ندارد چرا ارتش سوریه



تصویر: AFP

به این اقدام واکنش نشان نداد؟ چرا از شهر و ندان تان حمایت نکردید؟

صداقانه بگویم اصلا انتظار چنین اقدامی را نداشتم. هنوز هم درک نمی کنم چرا این حادثه به وقوع پیوست بخصوص حالا که سوریه درگیر اقداماتی گسترده برای انسداد مرزهایش با عراق است. به هر حال سوریه، گرجستان نیست و ما خواستار دامن زدن به مناقشه نیستیم.

در بهترین شرایط شما شرایط خاورمیانه را طی ۴ سال آینده چگونه ارزیابی می کنید؟

این مساله تا حدود زیادی مبتنی بر رویکردهای جدید آمریکا در قبال منطقه خواهد بود. نمی توان موضوع را سه و سفید دید و البته منوط به وجود اراده سیاسی در اسرائیل برای دستیابی به توافقنامه صلح جامعی نیز خواهد بود. این مساله همچنین تابعی از نحوه عملکرد قدرت های منطقه ای است. **آیا شما حرف آخری با دولت در حال خروج از کاخ سفید بوش دارید؟** فقط می توانم بگویم خدا حافظ آقای بوش.

مترجم: رضا سادات

گزارش

درباب ممنوعیت بمب های خوشه ای

رنه ودلاو* / مترجم: یعقوب نعمتی وروجنی

در پی فشارهای مردم و رهبران سیاسی شماری از جوامع پیشرو، ممنوعیت کاربرد، تولید و نگهداری بمب های خوشه ای در ۳۰ می ۲۰۰۸ در دوپلین ایرلند مورد تصویب ۱۱۱ کشور قرار گرفت ولی نقطه تاریک توافق مذکور این است که اسرائیل، چین، هند، روسیه، پاکستان و ایالات متحده آمریکا به عنوان تولید و استفاده کنندگان اصلی این بمب ها در این توافقنامه حضور ندارند.

این مذاکرات از فوریه ۲۰۰۷ در اسلوی نروژ آغاز شد و از این رو فرآیند اسلو نام گرفت. مذاکرات مذکور واکنشی منطقی به استفاده گسترده اسرائیل از بمب های خوشه ای علیه لبنان در جولای-اگوست ۲۰۰۶ بود.

مرکز هماهنگی ضدمین سازمان ملل که در جنوب لبنان فعالیت می کند گزارش داد میزان تراکم بمب های خوشه ای در لبنان بسیار بیشتر از کوزوو و عراق بوده و بویژه در مناطق مسکونی خطرات عمده ای را برای صدها شهروند لبنانی و نیز صلح بانان سازمان ملل ایجاد کرده است. تخمین زده می شود در طی جنگ ۳۳ روزه حدود یک میلیون بمب خوشه ای به سوی جنوب لبنان پرتاب شده است.

بمب های خوشه ای ، کلاهک هایی دارند که شمار زیادی از بمب های کوچک تر را پراکنده می کنند. بسیاری از این بمب های کوچک منفجر نمی شوند و روی زمین پراکنده شده و افرادی که به آنها دست می زنند را کشته یا معلول می سازند.

گزارشات سازمان های بشردوستانه و گروه های مین رویی نشان می دهد غیرنظامیان و بویژه کودکان که مجذوبانند از هک و کوچک و رنگ های بران این بمب های می شوند اکثریت قربانیان بمب های خوشه ای را تشکیل می دهند.

احتمال عمل نکردن بمب های خوشه ای بسیار بالا و بین ۳۰ تا ۸۰ درصد است. ولی عمل نکردن واژه درستی به نظر نمی رسدو در واقع این بمب ها طوری طراحی شده اند که بعدها عمل کرده و کشته بگیرند. تعداد زیاد بمب های خوشه ای منفجر نشده بدین معناست که مزارع و کشتزارها قابل استفاده نخواهند بود یا اینکه بهره برداری از آنها خطرات بزرگی را در پی خواهد داشت. اغلب کسانی که در منازعات قرن بیست و یکم توسط بمب های خوشه ای کشته یا مجروح شده اند، شهروندان غیرنظامی و اغلب جوانان بوده اند.

این افراد در اکثر اوقات از صدمات شدید همانند از دست دادن دست و پا یا بینایی خود رنج می برند. شروع کار یا تحصیل برای این افراد بسیار دشوار است.

بحث درباره ممنوعیت مهمات خوشه ای از سال ۱۹۷۹ و در جریان مذاکراتی آغاز شد که به کنوانسیون وین راجع به منع کاربرد سلاح های متعارف خاصی که جراحات شدید یا پیامدهای کورگورانه ای دارند، منجر شد.

اثرات کورگورانه بمب های خوشه ای را نماینده دفتر سازمان ملل در ژنو و من با حمایت دولت سوئد مطرح کردیم. نامه من درسال ۱۹۷۹ خطاب به شهروندان جهان درباره سلاح های تکه تکه شونده ضدنفر خواستار ممنوعیت این سلاح ها مبتنی بر اعلامیه سن پترزبورگ ۱۹۶۸ شده و بر کنترل دائمی و شیوه های حل منازعه تاکید کرد تا بتوان تمامی اقدامات مربوط به کاربرد سلاح های ممنوعه در منازعات داخلی و خارجی را مورد رسیدگی قرار داد.

البته من مورد تقدیر قرار گرفتم ولی از سوی دیگری به اینجانب تفهیم شد که در چارچوب سیاست زور، مردم به حساب نمی آید و اینکه برای ممنوعیت ناپالم بیشتر باید تلاش کنم (تصاویر کاربرد ناپالم در ویتنام هنوز هم در اذهان باقی مانده است.) باید دانست که برای برانگیختن حس دلسوژی انسان ها، یادمان های تصویری تلخ، بسیار ضروری است.

گرچه بمب های خوشه ای بطور گسترده در جنگ های ویتنام و هندوچین مورد استفاده واقع شدند اما به اندازه ناپالم مورد توجه رسانه ها و عموم قرار نگرفتند. اخیرا موسسه پژوهشی خلع سلاح سازمان ملل گزارشی راجع به آثار مخرب بمب های خوشه ای در لانوس منتشر کرده و اشاره کرد که جمهوری موزکراتیک خلق لانوس بیشتر از دیگر کشورهای جهان هدف بمباران خوشه ای قرار گرفته است.

پاکسازی بمب های خوشه ای هنوز در این کشور ادامه دارد؛ در حالی که جنگ ۱۹۷۳-۱۹۶۳ در این کشور تا حدود زیادی از حافظه عمومی جهانیان زوده شده است.

استفاده گسترده نیروهای ناتودر کوزوو بار دیگر توجه جهان را به سوی کاربرد بمب های خوشه ای جلب کرد. شکاف طعنه آمیز بین اهداف باصطلاح بشردوستانه این جنگ و کشتار مستمر توسط بمب های خوشه ای سالها پس از جنگ بسیار قابل توجه است.

در مورد عراق نیز منازعات مستمر، خشونت های فرقه ای، نقش ایالات متحده و آینده عراق پس از خروج ایالات متحده، کاربرد بمب های خوشه ای در عراق را تحت الشعاع قرار داده است ولی در نهایت استفاده کورگورانه از این بمب ها علیه لبنان در جنگی بی معنی و بی نتیجه به اقدامات مداوم برای ممنوعیت این تسلیحات انجامید.

در پی معاهده مین های ضدنفر که در مارس ۱۹۹۹ به اجرا درآمد و تاکنون به تصویب ۱۵۲ کشور رسیده اکنون نوبت به ممنوعیت بمب های خوشه ای رسیده است. بسیاری از سازمان های غیردولتی -تلفیقی از گروه های خلع سلاح و بشردوست که در مورد مین های زمینی فعال بودند هم اینک موتور اقدامات منع بمب های خوشه ای هستند.

کشورهای مختلف برنامه ریزی کرده اند تا این معاهده را بطور رسمی در ماه دسامبر در اسلو امضا کنند. در صورت عملی شدن این مساله مجالس باید معاهده را به سرعت تصویب کنند و این معاهده می تواند از اواسط سال ۲۰۰۹ به مورد اجرا گذاشته شود.

با این حال دشوارترین مرحله در این راه مجاب کردن بعضی کشورها برای پیوستن به معاهده منع بمب های خوشه ای است: ایالات متحده، روسیه، چین، هند، پاکستان و اسرائیل. این ممنوعیت ممکن است مانع از کاربرد بمب های خوشه ای توسط این کشورها شود ولی اعضای رسمی این معاهده نشانه مهمی از احترام کشورهای مذکور به توافقات و قوانین بین المللی خواهد بود. البته دراین راستا اعمال فشارجهانی نیز ضروری است.

*** نماینده ژنو در انجمن شهروندان جهان و سردبیر نشریه الکترونیکی جهان سیاست**

تغییرات گسترده در سیاست های آمریکا ممکن نیست

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا چون دارویی قوی است که نوعی احساس خوش بینی وهم انگیز را به همراه می آورد. این همه سخن گفتن از تغییر و امید موجب شکل گیری تقاضاهایی برای اقدامات سریع می شود. در سایه همین انتظارات است که فردی که به کاخ سفید راه پیدا می کند کارنامه ۱۰۰ روز اول و ۶ ماهه خود را منتشر می کند.

بحران اقتصادی ایالات متحده شاید نیازمند سرعت عمل باشد اما درحوزه سیاست خارجی واقعیت این است که رئیس جمهور اوباما عصر ۲۰ ژانویه با همان چالش هایی مواجه می شود که صبح همان روز، بوش با آنها روبرو به رویدد حالی که هیچ مجالی برای ارائه طرح های انقلاب گونه با تأخیری فوری برای حل این چالش ها وجود ندارد.

این مساله تا حدودی جای خوشحالی دارد. اتخاذ تصمیم های بزرگ با عجله ممکن است به بروز اشتباهی بزرگ منجر شود. کافی است به جان اف کندی و خلیج خوک فکر کنید. همین اواخر هم بوش با کتکاش در سیاست دوران زمامداری کلینتون در قبال کره شمالی بود که اقدام به تدوین استراتژی جدیدی کرد که در ادامه گامی مثبت از کار در آمد.

بررسی محتوای جعبه ای که به عنوان اولویت های سیاست خارجی آمریکا پیش روی اوباما قرار می گیرد به خوبی نشان می دهد حتی در موارد حیاتی هم او وقت زیادی برای تصمیم گیری دارد.

■ ■ ■

عراق: اوباما خواستار خروج نیروهای آمریکایی از عراق شده است اما این روندی است که پیش تر آغاز شده و تنها مساله ای که می ماند سرعت عقب نشینی واحدهای نظامی از این کشور، تعیین زمانی برای خروج کامل نیروها و تعداد نیروهایی است که پس از خروج یگان های نظامی آمریکا از عراق به عنوان مشاور در این کشور باقی خواهند بود. هیچ سیاستمدار عراقی نمی تواند تا بعد از برگزاری انتخابات پاییز آینده این کشور در مورد این مسائل با قاطعیت صحبت کند.

افغانستان: اوباما دو گزارش تحقیقی پیش روی خود خواهد داشت که اولی توسط بوش تدوین شده و دیگری به دستور دیوید پترائوس، ریاست فرماندهی مرکزی آمریکا در خاورمیانه آماده شده و قرار است در ماه فوریه نسخه تکمیلی آن تقدیم کاخ سفید شود.

پیش از آن که گزارش پترائوس آماده شود اعزام نیروهای تازه نفس به افغانستان شروع شده است. تا قبل از سرکوب طالبان که حداقل یک سال و شاید هم بیشتر طول می کشد هر ایده ای برای مذاکره و رایزنی با آنها چیزی جز وعده ای تو خالی و گول زنده نخواهد بود. در دنیای واقعیت هیچ راهی جز ادامه حمایت از دولت شکننده افغانستان وجود ندارد.

ارتش ایالات متحده مدتی است بر تلاش های خود برای آموزش و تجهیز ارتش پاکستان افزوده است و صندوق بین المللی پول (IMF) وظیفه پیش بردن اصلاحات اقتصادی در این کشور را به عهده گرفته است. **کره شمالی:** تلاش های کاندولینزرا رایس، وزیر امور خارجه ایالات متحده و کریستوفر هیل، مذاکره کننده ارشد واشنگتن در امور کره شمالی موجب دستیابی به توافقی راهبردی با این کشور شد. آنچه

منبع: نیوزبیک